

## فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در کشور ایران با تأکید بر استان گلستان

دکتر رحمت‌اله امیراحمدی\* / علی اصغر اصغری\*\*

### چکیده

با وجود احساس نزدیکی و پذیرش اجتماعی در بین اقوام ایران به‌طور اعم و اقوام فارس و ترکمن به‌طور اخص، یکی از مطمئن‌ترین راه‌های نیل به همبستگی و وفاق اجتماعی در ایران به‌شمار می‌آید. این مقاله با اتخاذ رویکرد جامعه‌شناختی، به بررسی میزان فاصله اجتماعی ساکنان شهرهای شرق استان گلستان (که به لحاظ قومیتی ترکمن و فارس هستند) از اقوام ایرانی و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. در این پژوهش، منظور از فاصله اجتماعی، گرایش اعضای یک قوم به پذیرش یا طرد اعضای اقوام دیگر است. این گرایش ابعاد شناختی، عاطفی و آمادگی برای عمل را شامل می‌شود. بنابراین برای تحلیل با مرور دیدگاه‌ها و نظریه‌های سطح خرد جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی و منابع تجربی موجود، چارچوب مفهومی مناسبی تنظیم گردیده است. در اجرای تحقیق از روش پیمایشی و برای گردآوری داده‌ها نیز از پرسشنامه استفاده شده است. مصاحبه با نمونه ۳۹۹ نفری از ساکنان شهرهای استان گلستان نشان می‌دهد که پاسخگویان، کم‌ترین فاصله اجتماعی را با قوم فارس و بیش‌ترین فاصله را با قوم ترکمن دارند. در جمع‌بندی سلسله‌مراتب ترجیحات قومی، در بین پاسخگویان به ترتیب اقوام فارس، ترکمن، بلوچ و ترک قرار می‌گیرند. در جمع‌بندی سلسله‌مراتب ترجیحات قومی، در بین پاسخگویان به ترتیب اقوام فارس، ترکمن، بلوچ و ترک قرار می‌گیرند.

### کلیدواژه‌ها

فاصله قومی، استان گلستان، قوم فارس، قوم ترکمن.

\* استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (نویسنده مسئول).

Amirahmadi569@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

## ۱. بیان مسأله

ایران جامعه ای چند قومی است و اقوام متعددی در مناطق مختلف آن زندگی می‌کنند. این اقوان علاوه بر اشتراکات فرهنگی، هر یک دارای ویژگی‌های زبانی، محلی و فرهنگی خود هستند. بدون تردید، وحدت و یکپارچگی ملی ایران، مرهون همزیستی و روابط مسالمت آمیزی تاریخی اقوام با یکدیگر بوده، از این رو نمی‌توان مسئله وحدت و یکپارچگی ملی ایران را بدون در نظر گرفتن مفاهمه، همگرایی و همزیستی بین فرهنگی و بین قومی توأم با حفظ هویت‌ها مورد توجه قرار داد. این نوشتار، قوم، به اجتماعی از افراد اطلاق می‌شود که برای خود سرگذشت تاریخی (منشأ و نیاکان)، سرزمین، آداب و رسوم، زبان و نهادهای فرهنگی مشترکی قائل‌اند و در برابر آن‌ها احساس تعلق، تعهد و وفاداری کم و بیش مشترکی دارند. این احساس جمعی مشترک که معمولاً با ضمیر جمعی «ما» بیان می‌شود ضمن ایجاد همبستگی بین اعضای هر قوم، مرزهای نمادین و فاصله اجتماعی هر قوم را از اقوام دیگر تعیین می‌کند. میزان پای بندی اعضای هر قوم به هویت قومی خود و فاصله اجتماعی آنان با اقوام دیگر متفاوت است و این تفاوت تابعی از عوامل عدیده است که شناخت آن‌ها یکی از اهداف اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. سنجش فاصله اجتماعی اقوام ایرانی، موضوع اصلی مورد توجه در این مقاله است. مفهوم فاصله اجتماعی برای آن به کار می‌رود که میزان احساس نزدیکی یا پذیرشی را که اعضای یک گروه در قبال گروه دیگر دارند، بسنجد. این مفهوم اغلب برای سنجش درجه صمیمیت ممکن در روابط اجتماعی گروه‌های مختلف نژادی و قومی و رابطه بین اعضای آن‌ها به کار می‌رود (کوئن، ۱۳۷۴ : ۱۳۱).

اصطلاح «فاصله اجتماعی»<sup>۱</sup> را برای اولین بار پارک و بورگس از جامعه شناسان مکتب شیکاگو به مجموعه واژگان جامعه شناسی وارد کردند. بوگاردوس<sup>۲</sup> از شاگردان پارک، در ادامه فعالیت‌های جامعه شناسان این مکتب، در بررسی علمی مسائل شهری، موضوع مهاجرت خارجی‌ان متعلق به نژادها و اقوام مختلف به ایالات متحده آمریکا و مسائل و کشمکش‌هایی را که به هنگام جذب و در هم آمیخته شدن آن‌ها در جامعه و فرهنگ آمریکا پیش آمد، مورد بررسی قرار داد. بوگاردوس بر آن بود تا شیوه‌ای بیابد که به وسیله آن بتواند میزان تمایل اعضای گروه‌های مختلف قومی را نسبت به برقراری روابط اجتماعی با یکدیگر مورد سنجش

1. Social Distance  
2. Bogardus

قرار دهد و همچنین میزان فاصله‌ای را که اعضای یک گروه قومی معین نسبت به گروه غیر خودی احساس می‌نماید، مشخص کند. وی در این راستا مقیاس فاصله اجتماعی را ابداع نمود (Neuman, 1997: 163). این مقیاس امروزه برای برآورد میزان فاصله و تضاد بالقوه و واقعی موجود در بین گروه‌های فرهنگی، صنعتی، سیاسی، نژادی، مذهبی و غیره به کار برده می‌شود. بعد از ابداع مقیاس مذکور، تحقیقات بسیار زیادی در زمینه سنجش فاصله اجتماعی بین قومیت‌ها، نژادها و گروه‌های مختلف با استفاده از آن صورت گرفته است.

حیدری (۱۹۹۷) در تحقیقی تحت عنوان «آزمون تجربی فاصله اجتماعی دانشجویان آمریکایی از دانشجویان غیر آمریکایی» به بررسی و تحلیل رابطه فاصله اجتماعی با متغیرهایی چون «میزان تعاملات اجتماعی، جنسیت، حضور در کلیسا، میزان ادراک از منابع کمیاب جامعه» در دانشگاه ایالت داکوتای جنوبی پرداخته است. نتایج، حاکی از وجود رابطه معنادار بین فاصله اجتماعی و اغلب متغیرهای مستقل (به استثنای متغیر حضور در کلیسا) مورد توجه در پژوهش بوده است. ورکوتن و کینکت، در تحقیقی تحت عنوان «فواصل اجتماعی در جوامع چند قومی، سلسه مراتب قومی در میان نوجوانان هلندی» در سال ۲۰۰۰ به بررسی رابطه فاصله اجتماعی نوجوانان هلندی از اندونزیایی‌ها، مراکشی‌ها، یوگسلاوها و ترک‌ها با متغیرهایی نظیر «سن، جنسیت، سطح پیش داوری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان آگاهی از قومیت‌های دیگر» پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار میان فاصله اجتماعی و متغیرهای مستقل مورد توجه بوده است.

فاصله قومی از جمله موضوعاتی است که در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر از لحاظ نظری و تجربی، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، به تعدادی از منابع پژوهشی که تا حدودی با موضوع مورد بررسی مرتبط بوده، به طور مختصر پرداخته می‌شود.

اصغری فرد (۱۳۸۹) در تحقیق خود پیرامون «بررسی تطبیقی شکل غالب بر الگوهای همبستگی اجتماعی در میان اقوام ایرانی (ترک و لر) و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» به بررسی رابطه متغیرهای «سطح تحصیلات، سطح توسعه منطقه (محروم / برخوردار)، نوع قومیت و محل زندگی افراد» با متغیر میزان قوم گرایی به‌عنوان شاخص برای سنجش همبستگی اجتماعی پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که افزایش سطح تحصیلات از طریق بالا بردن سطح آگاهی‌های فردی و اجتماعی در کاهش قوم گرایی مؤثر است و متغیرهای سطح توسعه منطقه، قومیت زندگی افراد، به شکل غیر مستقیم بر قوم گرایی تأثیر

می گذارند. یوسفی (۱۳۸۶) در مقاله تحقیقی «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران» کم و کیف روابط بین قومی و همچنین هویت ملی اقوام پنج گانه کشور (آذری، فارس، بلوچ، کرد و لر) را تشریح نموده و سپس ارتباط این دو خصوصیت در نزد اقوام مذکور را مورد تحلیل قرار داده است. نتایج حاصله نشان داده است که با افزایش همکاری‌های بین قومی که از ترکیب سه نوع رابطه فکری، عاطفی و معیشتی اقوام حاصل می‌شود، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند و در مقابل، با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی تضعیف می‌گردد.

مهم‌ترین مسأله نظم اجتماعی، برای دورکیم و تا حدی تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی این که بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). وجود همبستگی و اعتماد اجتماعی در سطح جامعه می‌تواند دلالت بر وجود احساس نزدیکی و پذیرش اجتماعی در بین گروه‌ها و اقوام مختلف باشد که این امر موجبات شکل‌گیری هویت جمعی عام را در سطح اجتماع جامعه‌ای فراهم می‌آورد و موجب می‌گردد که جامعه به هنگام برخورد با فرهنگ‌های دیگر، ضمن این که بتواند در مقابل آثار مخربی آن‌ها از خود مصونیت بیشتری نشان دهد، همزمان قادر باشد با آن‌ها به صورتی فعال برخورد نماید.

امروزه در اغلب جوامع چند قومی، فاصله اجتماعی، یکی از مسائل اساسی است که در جامعه شناسی مورد توجه خاص قرار گرفته است. مسأله فاصله اجتماعی موضوع جدیدی نیست، ولی با توجه به اهمیت روز افزون آن در فرآیند ملت سازی و تقویت هویت و همبستگی اجتماعی عام در هر جامعه، به ویژه در شرایط جهانی شدن، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. وجود فاصله وسیع و احساس دوری در بین اقوام ایرانی می‌تواند زمینه ساز شکل گیری تضادهای قومی و در سطح بالاتر شکاف‌های قومی باشد که این امر، اقتدار ملی و هویت جمعی عام ایرانی را در سطح داخلی و خارجی تضعیف و متزلزل خواهد نمود. از هم گسیختگی‌های اجتماعی و فاصله‌های قومی، ساخت قطاعی را به همراه خواهد داشت؛ در چنین شرایطی است که ما به جای همفکری، همدل و همیاری بین قومی، با تضادها و تعارضات و اتلاف پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های اقوام مواجه خواهیم شد.

بررسی موضوع مذکور، با توجه به خصوصیات و معضلات استان گلستان و بنابر دلایل ذیل اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

۱. وجود زمینه‌های بالقوه برای رشد و برجسته شدن هویت قومی که ممکن است با هویت ملی در تعارض باشد؛
  ۲. مرزی بودن و همجواری ترکمنستان و موقعیت استراتژیک استان گلستان به ویژه شهر ما با شرق استان؛
  ۳. وجود تفاوت‌های زبانی، قومی و مذهبی استان گلستان با سایر اقوام ایرانی (ظهیری‌نژاد، ۱۳۹۴)؛
  ۴. محرومیت و توسعه نیافتگی استان گلستان در مقایسه با سایر نقاط کشور و در واقع «وجود یک شکاف بارز اقتصادی - اجتماعی بین استان گلستان با بسیاری از مناطق کشور. در رتبه بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی همانند رشد جمعیت، شهرنشینی، سواد، اشتغال، دسترسی به آب و لوله کشی، تعداد پزشک، امکانات بهداشتی و درمانی، امکانات و لوازم خانگی در سال ۱۳۸۵، این استان، رتبه‌های آخر را به لحاظ محرومیت در بین استان‌های کشور به دست آورده است و از محروم‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شود» (امیر احمدیان ۱۳۸۵ : ۱۲۷ - ۱۰۶)؛
  ۵. اهمیت تاریخی استان گلستان، به ویژه از نظر سوابق جنبش‌های قومی (احمدی، ۱۳۷۵ : ۷۸)؛
  ۶. با توجه به موقعیت و شرایط حساس ایران در عرصه داخلی و بین‌المللی به کارگیری توانمندی‌ها و قابلیت‌های اقوام متعدد ضروری به نظر می‌رسد و این مهم، مستلزم شناخت و بررسی اقوام ایرانی در ابعاد مختلف، به ویژه در بعد گرایش‌ها، تعاملات و پذیرش اجتماعی در بین اقوام ایرانی است.
- با توجه به موارد فوق، میزان فاصله اجتماعی ساکنان شهرهای شرق استان گلستان (که به لحاظ قومیتی ترکمن هستند) از دیگر اقوام ایرانی مورد توجه قرار گرفته است. مقاله حاضر تلاش دارد تا با طرح پرسش‌های زیر، کم و کیف این نگرش‌ها و تعاملات را نشان دهد.
۱. میزان فاصله اجتماعی ساکنان شهرهای شرق استان گلستان از اقوام فارس و ترکمن چقدر است؟ به عبارت دیگر، ساکنان شهرهای شرق استان گلستان چه میزان با اقوام مذکور احساس نزدیکی یا دوری می‌نمایند؟
  ۲. عوامل مؤثر بر فاصله اجتماعی از اقوام فارس و ترکمن کدامند؟
- بنابراین هدف این مقاله، سنجش فاصله اجتماعی ساکنان شهرهای شرق استان گلستان از دیگر اقوام ایرانی است. با توجه به سوابق همجواری جغرافیایی، سکونت تعداد قابل ملاحظه‌ای از

ترکمن زبان‌ها و فارس زبان‌ها در استان و مراودات فرهنگی و اقتصادی آنان با اقوام فارس و ترکمن فاصله اجتماعی مردم استان با اعضای دو قوم مذکور بیش تر مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲. چارچوب نظری

فاصله اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی است که در عمل با احساس دوری یا نزدیکی، پذیرش یا عدم پذیرش اجتماعی بین افراد و اعضای گروه‌های اجتماعی، از جمله اقوام مرتبط است؛ بنابراین بیش تر در جامعه شناسی خرد مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل در این پژوهش بیش تر از منابع نظری و تجربی جامعه شناختی موجود در سطح خرد استفاده شده است. در دیدگاه کنش متقابل نمادی مسئله فاصله اجتماعی، با مفاهیم «خود و دیگری» ارتباط پیدا می‌کند. لذا با توجه به مفاهیم مذکور، بررسی فاصله اجتماعی از چند جهت حائز اهمیت است: اول اینکه که فاصله اجتماعی در صورت وجود و تمایز قائل شدن بین «خود و دیگری» معنی و مفهوم پیدا می‌کند. دوم این که شکل گیری «خود در ارتباط با دیگران» مبنای شکل گیری هویت جمعی افراد بوده، میزان و دایره تعلقات فردی را مشخص می نماید و به تبع آن، در کم و کیف تعاملات افراد با دیگران تأثیر بسزایی دارد.

بنابه اعتقاد کولیف «خود» اغلب یک «خود» اجتماعی است و در جریان تعاملات و مناسبات با دیگران شکل می‌گیرد و آگاهی شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران در مورد اوست. از این رو به هیچ وجه نمی‌توان از خودهای جداگانه صحبت نمود (کاورز، ۱۳۷۳: ۴۱۰). هربرت مید نیز «خود» را محصول مشترک در زندگی گروهی می‌داند، در این میان وی جایگاهی اساسی برای موقعیت اجتماعی تعاملات قائل است، چرا که شکل‌گیری کنش در خلال فرآیند برداشت از خود، همیشه در یک موقعیت اجتماعی خاص صورت می‌پذیرد (کاورز، ۱۳۷۳: ۴۴۹-۴۴۶). از نظر مانفرد کان، داشتن مفهومی از خود در تنهایی و انزو میسر نیست. «خود» همان هویت اجتماعی است که نسبتاً پایدار و تغییر ناپذیر است و در فرآیند تعامل اجتماعی با درونی شدن ایستارهای مختلف دیگران نسبت به خود شکل می‌گیرد (کرایب، ۱۳۷۸: ۱۱۰).

هویت جمعی افراد با میزان و کم و کیف فاصله اجتماعی آنان از دیگران رابطه دارد. توجه به مفهوم مذکور در بررسی حاضر از آن جهت است که هویت جمعی افراد، موجبات شناسایی

«خود و دیگری» را به واسطه داشتن ابعاد همانندی و تمایز فراهم می‌سازد و در بین اعضای یک گروه، همانندی و پیوستگی به وجود می‌آورد و لذا موجب شکل‌گیری مرزبندی‌ها در بین افراد می‌شود. سامنر اصطلاح درون گروه (گروه خودی) و برون گروه (گروه غیر خودی یا بیگانه) را برای توصیف شیوه‌های مختلف بروز احساسات گروهی به کار می‌برد. از نظر وی، درون گروه، با ویژگی‌هایی چون، احساس ما بودن، وفاداری، فداکاری و یاری میان اعضا مشخص می‌شود و برون گروه از افرادی تشکیل شده که شخص بین خود و آن‌ها منافع مشترکی نمی‌بیند و فرد به آن‌ها تعلق ندارد. این تمایزات می‌تواند مبنایی برای تخصیص‌ها و تبعیض‌ها در بین گروه‌های مختلف باشد و موجبات قوم‌مداری را فراهم نماید (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۷۱۹). از نظر جنکینز هویت حاصل دیالکتیک درونی - بیرونی یا فرد و جامعه است. وی هویت‌های اولیه (نظیر خود بودن، انسان بودن، جنسیت، قومیت و خویشاوندی) در اوایل زندگی ساخته می‌شوند و گروه‌های نخستین نقشی اساسی در شکل‌گیری آن دارند. در حالی که هویت‌های ثانویه، بیش‌تر متأثر از تعاملات اجتماعی و در قالب گروه‌های ثانویه شکل می‌گیرند. شایان ذکر است که هویت‌های اولیه نسبت به هویت‌های ثانویه در مقابل تغییر، مقاوم‌ترند و افراد به آسانی حاضر به تغییر آن نیستند (Jenkins, 1996:21-24). از نظر تاجفل هویت اجتماعی فرد به وسیله گروهی که به آن تعلق دارد، تعیین می‌شود. تعلق به یک گروه خاص، عاملی عمده برای تبعیض فرد نسبت به طرفداری از گروه خود است. این تمایزگذاری بین خود و گروه غیر خود کمک می‌کند تا هویت اجتماعی فرد در آنش رابط بروز کند و تعریف شود (Tajfel, 1992:40).

چنین به نظر می‌رسد که در تعاملات بین گروهی، گرایش‌ها و تمایلات افراد نقش اساسی دارند. کرچ<sup>۱</sup>، کراچفیلد<sup>۲</sup> و بالاچی<sup>۳</sup> گرایش را ترکیب شناخت‌ها، احساسات و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین می‌دانند و عوامل مؤثر در تکوین گرایش‌ها را در چهار دسته می‌دانند که عبارتند از: آن چه نیازهای شخص را برآورده می‌کند، آگاهی و کسب اطلاع درباره موضوع یا شیء یا فرد خاص، تعلقات گروهی، و شخصیت فرد (کریمی، ۱۳۷۳: ۳۱۱-۳۱۳).

علاوه بر دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه فوق، توجه به دیدگاه‌های تلفیق‌گرایانه صاحب نظران ذیل نیز ضروری است:

1. Krech
2. Cruchfield
3. Ballachey

پیر بوردیو در کتاب تمایز (Bourdieu, 1987) فاصله بین کنشگران اجتماعی را بر حسب میزان سرمایه کلی و سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی تعیین می‌کند که می‌توان آن را در زمینه فاصله اقوام و اعضای آن‌ها با توجه به سطح دانش و پهنه تعاملات اجتماعی آنان به کار گرفت. از طرفی، کردار کنشگران را با دو دسته از عوامل عینی و ذهنی مرتبط به هم، یعنی عادات وارده‌ها و میدان تعاملاتی آنان تبیین می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۶) که این امر از طریق سطح دانش اعضای اقوام و گستره و میزان تعاملات آنان می‌تواند محققان را در انتخاب مؤثر بر فاصله اجتماعی بین کنشگران هدایت نماید. براساس این دیدگاه، فاصله اجتماعی با سطح دانش اعضای قوم کرد از اقوام دیگر و نوع و میزان تعاملات بین گروهی مانع کاهش فاصله اجتماعی بین اقوام و قشرهای ایرانی شده است.

یورگن‌ها بر ماس هم در نظریه کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی خود، بهره‌گیری از حوزه عمومی یا گسترده همگانی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی، به ویژه گفت و گوی آزاد و خردمندانه، شکل‌گیری ساختارها و ارزش‌های عام و تحقق عقلانیت ارتباط و توسعه و تکامل اجتماعی را ضروری می‌داند (Habermas, 1996: 83).

در ایران، سیطره خرده نظام سیاسی بر سایر خرده نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و وابستگی وسایل ارتباط جمعی به دولت، گستره همگانی را مورد تهدید قرار داده و امکان تحقق کنش‌های ارتباطی و گفت و گوی بین قومی و بین فرهنگی را محدود ساخته و مانع کاهش فاصله‌های اجتماعی بین کنشگران فردی و جمعی شده است.

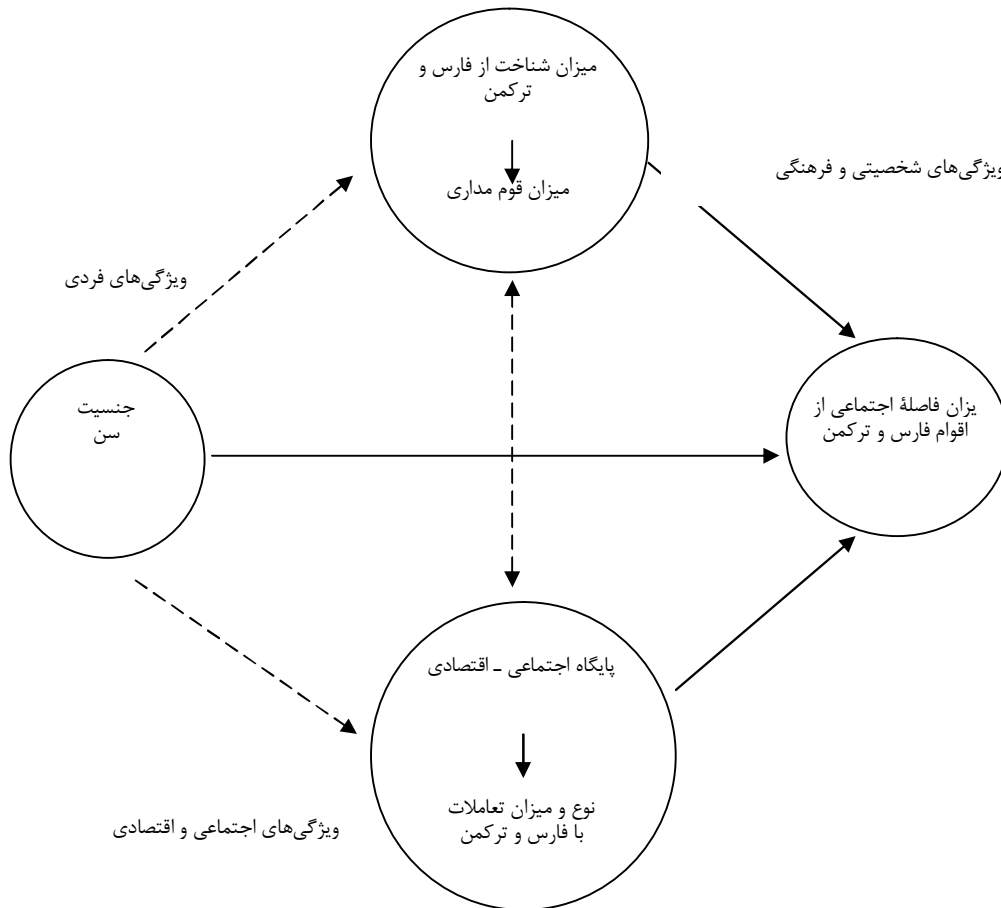
جیمز کلمن سرمایه اجتماعی و از جمله اعتماد اجتماعی را تسهیل کننده تعاملات بین کنشگران می‌داند. او اعتماد را در این می‌داند که فرد اعتماد کننده، طرف مقابل (امین) را حافظ منافع خود بداند. بنابراین می‌توان گفت وجود اعتماد بین افراد متعلق به اقوام متفاوت می‌تواند تعاملات بین آنان را تسهیل و فاصله اجتماعی بین آنان را تقلیل دهد (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

مارگارت آرچر در کتاب فرهنگ و عاملیت بر اهمیت فضای فرهنگی بر تعاملات کنشگران (Archer, 1996) و جفری الکساندر علاوه بر تمایز بین عاملیت و کنشگر و تأکید بر اهمیت فضای فرهنگی در فرآیند تعاملات با در نظر گرفتن مجموعه شرایط اثباتی، هنجاری و زیستی - روانی و ذهنی - شخصیتی در سطوح خرد و کلان سعی کرده است چارچوب نظری تلفیقی



جامعی تنظیم نماید که در قالب آن بتوان پدیده‌های اجتماعی را به طور جامع تری تبیین نمود (Alexander, 1988:22)

با توجه به مباحث فوق روشن می‌شود که استفاده از یک چارچوب نظری تلفیقی برای تحقیق حاضر مناسب‌تر است. بر این اساس می‌توان عوامل مؤثر بر میزان فاصله اجتماعی از اقوام فارس و ترکمن را در سه مقوله قرار داد. اولین مقوله، ویژگی‌های فردی است در برگیرنده دو متغیر جنسیت و سن افراد است. مقوله دیگر، ویژگی‌های شخصیتی است که در برگیرنده دو متغیر میزان قوم‌مداری و میزان شناخت و آگاهی مردم از اقوام فارس و ترکمنی است. آخرین مقوله، ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی است. بر اساس جمع‌بندی فوق چارچوب مفهومی ذیل تنظیم و ارائه گردیده است.



با توجه به چارچوب مفهومی فوق، فرضیه‌های اصلی پژوهش به شرح زیر مطرح شده اند:

۱. بین جنسیت پاسخگویان و فاصله اجتماعی آنان از اقوام فارس و ترکمن رابطه وجود دارد.
۲. بین سن پاسخگویان و فاصله اجتماعی آنان از اقوام فارس و ترکمن رابطه وجود دارد یعنی هرچه سن افراد (بالا/ پایین) باشد، میزان فاصله اجتماعی آنان از اقوام فارس و ترکمن (کم تر/ بیشتر) خواهد بود.
۳. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی ساکنان شهرهای استان و فاصله اجتماعی آنان از اقوام ایرانی (فارس و ترکمن) رابطه وجود دارد. یعنی هر چه ساکنان شهرهای استان از پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بالا / پایین) برخوردار باشند، میزان فاصله اجتماعی آنان از اقوام ایرانی (فارسی و ترکمن) (کم تر/ بیش تر) خواهد بود.
۴. بین میزان قوم مداری ساکنان شهرهای استانی و فاصله اجتماعی آنان از اقوام ایرانی (فارس و ترکمن) رابطه وجود دارد. یعنی هر چه میزان قوم مداری ساکنان شهرها (کم تر / بیش تر) باشد، میزان فاصله اجتماعی آنان از اقوام ایرانی (فارس و ترکمن) (کم تر / بیش تر) خواهد بود.
۵. بین آگاهی و شناخت ساکنان شهرهای استان و فاصله اجتماعی آنان از اقوام ایرانی (فارس و ترکمن) رابطه وجود دارد. یعنی هر چه میزان قوم مداری ساکنان شهرها (کم تر/ بیش تر) باشد، میزان فاصله اجتماعی آنان از اقوام ایرانی (فارس و ترکمن) (کم تر / بیش تر) خواهد بود.
۶. بین میزان تعاملات اجتماعی ساکنان شهرهای استان با اقوام ایرانی (فارس و ترکمن) و فاصله اجتماعی آنان از اقوام ایرانی (فارس و ترکمن) رابطه وجود دارد. یعنی هر چه میزان قوم مداری ساکنان شهرها (کم تر و بیشتر) باشد، میزان فاصله اجتماعی آنان از اقوام ایرانی (فارس و ترکمن) (کم تر/ بیش تر) خواهد بود.

### ۳. روش شناسی

در این پژوهش، فاصله اجتماعی به معنی گرایش اعضای یک قوم به پذیرش یا عدم پذیرش اعضای اقوام دیگر به کار رفته است. چنین گرایشی ابعاد شناختی (میزان آگاهی از اقوام)، عاطفی (احساس دوری یا نزدیکی) و آمادگی برای عمل (مراودات و تعاملات با اقوام) را شامل می‌شود. در واقع، فاصله اجتماعی، عاملی است که دامنه عمل متقابل گروه‌ها و اقوام را محدود

می‌کند و موجبات خودداری از ایجاد مناسبات با دیگر گروه‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید. در این تحقیق، برای سنجش فاصله اجتماعی از مقیاس یوگاردوس استفاده شده است. در استفاده از این مقیاس، ذکر نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. یوگاردوس به دنبال بررسی فاصله اجتماعی امریکایی‌ها از اقوام و نژادهای مهاجر در جامعه آمریکا بود که این اقوام مهاجر، به هنگام تماس، جذب و در هم آمیخته شدن در شهرهای چندملیتی بزرگی چون شیکاگو مشکلات خاصی را به جود آورده بودند، که نیاز به بررسی علمی داشت. حال آن که اقوامی نظیر فارس و ترکمن در ایران نه تنها مهاجر نیستند، بلکه به لحاظ فرهنگی، تجانس و تشابه فراوانی با هم دارند، از این رو آن کشمکش‌ها و تضادهای فرهنگی با چنان شدت، در جامعه ما، معنان و مفهومی ندارد.

۲. از آن جا که در این مقیاس، گویه‌های انتخاب شده مبتنی بر ارزش‌های جامعه آمریکا بوده لذا کاربرد مستقیم آن، در شرایط زمانی و مکانی ایران، به ویژه مناطق ترکمن نشین مفید نیست. برای مثال، گویه دوم در طیف مذکور (حاضر ام را در کلپیم به عنوان هم مسلک بپذیرم) در مطالعه حاضر حذف گردید. همچنین از آن جا که تحقیق حاضر در سطحی خرد انجام شده، به جای معرف (هم وطن بودن)، معرف (همشهری بودن) جایگزین گردید. از این رو در مقیاس مذکور جرح و تعدیل‌های لازم صورت گرفته است.

این تحقیق در سال ۱۳۹۴ در شهرهای شرق استان گلستان انجام شده است. در این پژوهش علاوه بر روش پیمایشی از روش‌های کیفی به ویژه مشاهده مشارکتی با دو هدف توصیف و تبیین استفاده گردید و جهت گردآوری اطلاعات و کنترل کیفیت و اعتبار آن، از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری شامل آن دسته از ساکنان شهرهای شرق استان گلستان که در گروه‌های سنی (۱۹ تا ۶۰ ساله) قرار می‌گرفتند. با توجه به این که یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر فاصله اجتماعی، پایگاه اقتصادی، اجتماعی است و تقسیمات شهری شهرداری بر اساس این متغیر صورت نگرفته، ضمن توجه به این امر از طریق مراجعه به بنگاه‌های املاک و آگاهی از نرخ گذاری قیمت زمین در مناطق شهری، بر اساس یک طرح نمونه گیری احتمالی، خوشه ای چند مرحله ای از مناطق انتخاب شده، ۳۹۹ نفر انتخاب شدند. واحد مشاهده در این تحقیق، افراد خانواده در گروه‌های سنی مذکور بوده است.

داده‌های گردآوری شده با روش‌های چندگانه با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. جدا از تحلیل توصیفی، در سطح تبیینی، از جداول دو بعدی و ضرایب همبستگی و رگرسیون چند متغیره نیز استفاده شده است.

#### ۴. توصیف و تحلیل داده‌ها

در ابتدا توصیف داده‌ها و بررسی چگونگی وضعیت پاسخگویان از لحاظ هر یک از متغیرهای مورد نظر صورت گرفت. آن گاه، جداول دو بعدی همراه با ضرایب همبستگی مربوط آورده شد و در بخش انتهایی، در مورد آن دسته از متغیرهای مستقلی که رابطه معناداری با متغیر وابسته داشته اند، تحلیل رگرسیون چند متغیره صورت پذیرفت.

#### ۴-۱. توصیف داده‌ها

همان طور که جدول ۱ نشان می‌دهد ۵۵ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵٪ زن و حدود ۹۰٪ آنان با سواد و با میانگین تحصیلی ۱۲ کلاس بوده‌اند. از لحاظ وضعیت شغلی، ۶۰٪ شاغل و ۴۰٪ بی کار بودند و اکثر پاسخگویان را افراد جوان و میانسال تشکیل می دادند. بیش از ۸۵٪ از پاسخگویان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسط رو به بالایی داشتند. حدود ۸۴٪ از پاسخگویان، در حد کمی با اقوام فارس و ترکمن تعامل داشتند و ۷۱٪ آن‌ها شناخت متوسطی از قوم فارس داشته، ۶۷٪ از پاسخگویان شناخت کمی از قوم ترکمن دارند، از لحاظ میزان فاصله اجتماعی پاسخگویان از اقوام ایرانی، ۶۰٪ از پاسخگویان با قوم فارس و ۴۳٪ با قوم ترکمن فاصله اجتماعی و ۵۸٪ با قوم عرب ۵۵٪ یا قوم ترک و ۵۲٪ با قوم بلوچ فاصله اجتماعی زیادی دارند.

سطح نازل فاصله اجتماعی پاسخگویان از اقوام فارس و ترکمنی به دلیل رسمی بودن زبان فارسی، همجواری جغرافیایی، سکونت تعداد قابل ملاحظه‌ای از اقوام فارس و ترکمن در شهرهای استان و رواج مبادلات اقتصادی و فرهنگی با اقوام مذکور است. سلسله مراتب ترجیحات قومی در میان پاسخگویان به ترتیب شامل اقوام فارس، ترکمن، بلوچ، سیستانی و ترک است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای اساسی تحقیق

درصد تراکمی	درصد خالص	فراوانی	نام متغیر	
۵۴/۶	۵۴/۶	۲۱۸	مرد	جنسیت
۱۰۰	۴۵/۴	۱۸۱	زن	
۸۹/۵	۸۹/۵	۳۵۷	باسواد	وضعیت تحصیلات
۱۰۰	۱۰/۵	۴۲	بی سواد	
۳۹/۸	۳۹/۸	۱۵۹	بی کار	وضعیت اشتغال
۱۰۰	۶۰/۲	۲۴۰	شاغل	
۳۲/۳	۳۲/۳	۱۲۹	۱۹-۲۴	گروه‌های سنی
۵۴/۴	۲۲/۱	۸۸	۳۵-۳۰	
۶۸/۹	۱۴/۵	۵۸	۳۱-۳۶	
۸۱/۷	۱۲/۸	۵۱	۳۷-۴۲	
۸۹/۵	۷/۸	۳۱	۴۳-۴۸	
۹۵/۵	۶	۲۴	۴۹-۵۴	
۱۰۰	۴/۵	۱۸	۵۵-۶۰	
۱۵	۱۵	۶۰	پایین	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۵۲/۶	۳۷/۶	۱۵۰	متوسط	
۱۰۰	۴۷/۴	۸۹	بالا	
۸۴	۸۴	۳۳۵	کم	میزان تعاملات اجتماعی با فارس
۹۷/۵	۱۳/۵	۵۴	متوسط	
۱۰۰	۲/۵	۱۰	زیاد	
۸۳/۵	۸۳/۵	۳۳۳	کم	میزان تعاملات اجتماعی با ترکمن
۹۸/۳	۱۴/۸	۵۹	متوسط	
۱۰۰	۱/۷	۷	زیاد	
۲۴/۳	۲۴/۳	۹۷	کم	میزان شناخت از فارس
۹۵/۵	۷۱/۲	۲۸۴	متوسط	
۱۰۰	۴/۵	۱۸	زیاد	
۶۷/۲	۶۷/۲	۲۶۸	کم	میزان شناخت از ترکمن
۹۷/۲	۳۰	۱۲۰	متوسط	
۱۰۰	۲/۸	۱۱	زیاد	
۵/۲	۵/۲	۲۱	کم	میزان قوم مداری
۴۷/۱	۴۱/۹	۱۶۸	متوسط	
۱۰۰	۵۲/۹	۲۱۱	زیاد	

درصد تراکمی		درصد خالص	فراوانی	نام متغیر		میزان فاصله اجتماعی از اقوام
۵۹/۹	۵۹/۹	۲۳۹	کم	فارس		
۸۴/۷	۲۴/۸	۹۹	متوسط			
۱۰۰	۱۵/۳	۶۱	زیاد			
۴۳/۱	۴۳/۱	۱۷۲	کم	ترکمن		
۷۳/۹	۳۰/۸	۱۲۳	متوسط			
۱۰۰	۲۶/۱	۱۰۴	زیاد			
۲۰/۸	۲۰/۸	۸۳	کم	ترک		
۴۴/۹	۲۴/۱	۹۶	متوسط			
۱۰۰	۵۵/۱	۲۲۰	زیاد			
۲۰/۸	۲۰/۸	۸۳	کم	بلوچ		
۴۷/۹	۲۷/۱	۱۰۸	متوسط			
۱۰۰	۵۲/۱	۲۰۸	زیاد			
۱۵/۳	۱۵/۳	۶۱	کم	سیستانی		
۴۲/۴	۲۷/۱	۱۰۸	متوسط			
۱۰۰	۵۷/۶	۲۳۰	زیاد			

#### ۲-۴. تبیین داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

#### ۱-۲-۴. تحلیل‌های دو متغیری

جدول ۲: میزان فاصله اجتماعی از قوم فارس بر حسب جنسیت پاسخگویان

جمع		زن		مرد		جنسیت
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	میزان فاصله از قوم فارس
۱۵/۳	۶۱	۸/۸	۱۶	۲۰/۶	۴۵	زیاد
۲۴/۸	۹۹	۲۵/۴	۴۶	۲۴/۳	۵۳	متوسط
۵۹/۹	۲۳۹	۶۵/۸	۱۱۹	۵۵/۱	۱۲۰	کم
۱۰۰	۳۹۹	۱۰۰	۱۸۱	۱۰۰	۲۱۸	جمع

$x^2=۱۰/۹۴۹$        $df=۲$        $cramer's =۰/۱۶۶$        $sig = ۰/۰۰۴$

جدول فوق به وضوح پراکندگی نمونه‌ها را بر حسب دو متغیر جنسیت و میزان فاصله اجتماعی از قوم فارس نشان می‌دهد، به طوری که پاسخگویان زن در مقایسه با پاسخگویان مرد فاصله اجتماعی کمتری از قوم فارس دارند. آزمون آماری کی دو X رابطه بین دو متغیر را

فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در کشور ایران با تأکید بر...

در سطح معناداری ۰/۰۰۴ تأیید می‌کند و ضریب توافقی کرامر نیز شدت رابطه را نشان می‌دهد. آن طوری که از داده‌های این جدول بر می‌آید زنان ترکمن در ذوب کردن فاصله اجتماعی خود با اعضای قوم فارس، از مردان کرد پیشی گرفته‌اند.

جدول شماره ۳. میزان فاصله اجتماعی از قوم ترکمن بر کسب جنسیت پاسخگویان

جمع		زن		مرد		جنسیت
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	میزان فاصله از قوم ترکمن
۲۶/۱	۱۰۴	۲۲/۱	۴۰	۲۹/۳	۶۴	زیاد
۳۰/۸	۱۲۳	۳۴/۳	۶۲	۲۸	۶۱	متوسط
۴۳/۱	۱۷۲	۴۳/۶	۷۹	۴۲/۷	۹۳	کم
۱۰۰	۳۹۹	۱۰۰	۱۸۱	۱۰۰	۲۱۸	جمع

$$x^2=۳/۲۸۳ \quad df=۲ \quad \text{cramer's}=۰/۰۹۱ \quad \text{sig}=۰/۱۹۴$$

جدول ۳ پراکندگی نمونه‌ها را بر حسب دو متغیر جنسیت و میزان فاصله اجتماعی از قوم ترکمن نشان می‌دهد. همان طوری که ملاحظه می‌شود در این جا رابطه بین فاصله اجتماعی و جنسیت پاسخگویان ضعیف است و آزمون‌های آماری مربوطه هم معنی‌دار بودن و شدت این رابطه را در حد قابل قبولی نشان نمی‌دهند. چنین به نظر می‌رسد که مردم شهرهای استان از زن و مرد به عنوان بخشی از مردم استان اعضای قوم ترکمن را پذیرفته‌اند و بین خود و آنان فاصله اجتماعی معنی‌داری احساس نمی‌کنند. البته در این جا هم این احساس پذیرش در بین زنان ترکمن در مقایسه با مردان قوی تر است.

جدول ۴. میزان فاصله اجتماعی از قوم فارس بر حسب گروه‌های سنی پاسخگویان

گروه‌های سنی	میزان فاصله از قوم فارس		زیاد	متوسط	کم	جمع
	تعداد	درصد				
۱۹-۲۴	تعداد	۲۳	۱۷/۸	۲۸	۷۸	۱۲۹
	درصد	۱۷/۸				
۲۵-۳۰	تعداد	۱۲	۱۳/۶	۲۶	۵۰	۸۸
	درصد	۱۳/۶				
۳۱-۳۶	تعداد	۱۰	۱۹	۳۳/۸	۵۰	۵۸
	درصد	۱۷/۳				
۳۷-۴۲	تعداد	۵	۹/۸	۱۲	۳۴	۵۱
	درصد	۳۳/۵				
۴۳-۴۸	تعداد	۸	۲۵/۸	۱۹/۴	۱۷	۴۱
	درصد	۳۳/۵				
۴۹-۵۴	تعداد	۲	۸/۳	۴	۱۸	۲۴
	درصد	۱۶/۷				
۵۵-۶۰	تعداد	۱	۵/۶	۲۳/۳	۱۳	۱۸
	درصد	۱۶/۷				
جمع	تعداد	۶۱	۲۴/۸	۹۹	۲۳۹	۳۹۹
	درصد	۱۵/۳				

Kendall's tau c = ۰/۰۴ sig = ۰/۳۵۲      Gamma = ۰/۰۶      sig = ۰/۳۵۲

جدول فوق پراکنندگی نمونه‌ها را بر حسب دو متغیر گروه‌های سنی و میزان فاصله از قوم فارس نشان می‌دهند. همان‌طوری که اطلاعات این جدول نشان می‌دهد ظاهراً افراد گروه‌های سنی بالاتر فاصله اجتماعی کم تری را نسبت به قوم فارس احساس می‌کنند ولی آزمون‌های آماری مربوطه، معنی‌دار بودن چنین رابطه‌ای را در سطح قابل قبولی تأیید نمی‌کنند. جدول فوق پراکنندگی نمونه‌ها را بر حسب دو متغیر مذکور نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات به دست آمده می‌توان گفت پاسخگویانی که در گروه‌های سنی بالاتر قرار دارند، در مقایسه با گروه‌های سنی پایین فاصله اجتماعی کم تری از قوم ترکمن دارند. آزمون‌های مربوط نیز معنی‌دار بودن چنین رابطه‌ای را در سطح قابل قبولی تأیید نمی‌کنند.



فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در کشور ایران با تأکید بر...

جدول ۵. میزان فاصله اجتماعی از قوم فارس بر حسب گروه‌های سنی پاسخگویان

گروه‌های سنی میزان فاصله از قوم	۱۹-۲۴		۲۵-۳۰		۳۱-۳۶		۳۷-۴۲		۴۳-۴۸		۴۹-۵۴		۵۵-۶۰		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
زیاد	۳۹	۳۰/۲	۲۸	۲۸	۱۴	۱۴	۹	۱۷/۶	۹	۲۹	۲	۸/۳	۳	۱۴/۷	۱۰۴	۲۶/۱
متوسط	۲۵	۲۷/۱	۲۴	۲۷/۳	۲۳	۲۳	۱۹	۳۷/۳	۸	۲۵/۸	۱۰	۴۱/۷	۲	۲۲/۲	۱۲۳	۳۰/۸
کم	۵۵	۴۲/۶	۳۶	۴۰/۹	۲۱	۲۱	۲۳	۴۵/۱	۱۴	۴۵/۲	۱۲	۵۰	۱۱	۶۱/۱	۱۷۲	۴۳/۱
جمع	۱۲۹	۱۰۰	۸۸	۱۰۰	۵۸	۱۰۰	۵۱	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۲۴	۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۲۹۹	۱۰۰

Kendall's tau C = ۰/۰۷۹      sig = ۰/۸۳      Gamma = ۰/۱۰۱      sig = ۰/۸۳

جدول ۶. میزان فاصله اجتماعی از قوم ترکمن بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان

پایگاه اقتصادی - اجتماعی میزان فاصله از قوم ترکمن	پایین		متوسط		بالا		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
زیاد	۱۶	۲۶/۶	۴۰	۲۶/۷	۴۸	۲۵/۴	۱۰۴	۲۶/۱
متوسط	۲۲	۳۶/۷	۴۴	۲۹/۳	۵۷	۳۰/۲	۱۲۳	۳۰/۸
کم	۲۲	۳۶/۷	۶۶	۴۴	۸۴	۴۴/۴	۱۷۲	۴۳/۱
جمع	۶۰	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۸۹	۱۰۰	۳۹۹	۱۰۰

Kendall's tau B = ۰/۳۰      Gamma = ۰/۴۸      sig = ۰/۴۹۸

بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان گفت که اعضای قوم فارس دارای پایگاه اجتماعی بالاتر فاصله کم تری با قوم ترکمن دارند. ولی آزمون‌های آماری مربوطه، معنی‌دار بودن چنین رابطه‌ای را در سطح قابل قبولی تأیید نمی‌کنند.

جدول ۷. میزان فاصله اجتماعی از قوم فارس بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان

جمع		بالا		متوسط		پایین		پایگاه اقتصادی - اجتماعی میزان فاصله از قوم ترکمن
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۵/۳	۶۱	۱۲/۷	۲۴	۱۹/۳	۲۹	۱۳/۳	۸	زیاد
۲۴/۸	۹۹	۲۳/۸	۴۵	۲۵/۳	۳۸	۲۶/۷	۱۶	متوسط
۵۹/۹	۲۳۹	۶۳/۵	۱۲۰	۵۵/۳	۸۳	۶۰	۳۶	کم
۱۰۰	۳۹۹	۱۰۰	۱۸۹	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۶۰	جمع

Kendall's tau B = ۰/۵۱    Gamma = ۰/۹۲    sig = ۰/۲۳۱

همان طوری که اطلاعات این جدول نشان می‌دهد افراد کرد دارای پایگاه اجتماعی بالاتر فاصله کمتری با قوم فارس احساس می‌کنند. ولی آزمون‌های آماری مربوطه معنی‌دار بودن و شدت این رابطه در حد قابل قبولی نشان نمی‌دهند.

جدول ۸. میزان فاصله اجتماعی از قوم ترکمن بر حسب میزان تعاملات اجتماعی با قوم ترکمن

جمع		بالا		متوسط		پایین		میزان تعاملات اجتماعی با ترکمن میزان فاصله از قوم ترکمن
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۶/۱	۱۰۴	۱۴/۲	۱	۱۵/۳	۹	۲۸/۲	۹۴	زیاد
۳۰/۸	۱۲۳	۴۲/۹	۳	۲۷/۱	۱۶	۳۱/۳	۱۰۴	متوسط
۴۳/۱	۱۷۲	۴۲/۹	۳	۵۷/۶	۳۴	۴۰/۵	۱۳۵	کم
۱۰۰	۳۳۹	۱۰۰	۷	۱۰۰	۵۹	۱۰۰	۳۳۳	جمع

Kendall's tau B = ۰/۱۲۱    Gamma = ۰/۲۸۷    sig = ۰/۰۰۷

جدول ۸ نشان می‌دهد که در بین پاسخگویانی که تعاملات اجتماعی زیادی با قوم ترکمن داشته‌اند ۸۶ درصد از فاصله اجتماعی کم یا متوسط و فقط ۱۴ درصد فاصله اجتماعی زیادی با قوم ترکمن داشته‌اند. در حالی که در بین پاسخگویانی که دارای تعاملات اجتماعی کمی با قوم ترکمن بوده‌اند، ۲۸ درصد فاصله اجتماعی زیادی با آن داشته‌اند. این امر حاکی از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین این دو متغیر است. آزمون‌های آماری مربوطه، معنی‌دار بودن چنین رابطه‌ای را در سطح ۰/۰۰۷ تأیید می‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که تعاملات به ویژه

فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در کشور ایران با تأکید بر...

در فضایی عاری از زر و زور و تزویر یکی از اصلی‌ترین عوامل ذوب شدن فاصله‌های اجتماعی است.

جدول ۹. میزان فاصله اجتماعی از قوم فارس بر حسب تعاملات اجتماعی با قوم فارس

جمع		بالا		متوسط		پایین		میزان تعاملات اجتماعی با فارس میزان فاصله از قوم فارس
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۵/۳	۶۱			۱۱/۱	۶	۱۶/۴	۵۵	زیاد
۲۴/۸	۹۹	۳۰	۳	۱۸/۵	۱۰	۲۵/۷	۸۶	متوسط
۵۹/۹	۲۳۹	۷۰	۷	۷۰/۴	۳۸	۵۷/۹	۱۹۴	کم
۱۰۰	۳۹۹	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۳۳۵	جمع

Kendall's tau B = ۰/۰۹۲      Gamma = ۰/۲۵۰      sig = ۰/۰۳۷

جدول فوق نشان می‌دهد، پاسخگویی که تعاملات اجتماعی زیادی با قوم فارس داشته‌اند، از فاصله اجتماعی کمی نسبت به آن‌ها برخوردار بوده، در حالی که پاسخگویی که تعاملات اجتماعی کمی با قوم فارس داشته‌اند، از فاصله اجتماعی زیادی نسبت به قوم فارس برخوردار بوده‌اند. این امر حاکی از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین این دو متغیر است، آزمون‌های آماری مربوطه نیز معنی‌دار بودن چنین رابطه‌ای را در سطح قابل قبولی تأیید می‌کنند.

جدول ۱۰. میزان فاصله اجتماعی از قوم ترکمن بر حسب میزان شناخت از قوم ترکمن

جمع		بالا		متوسط		پایین		میزان شناخت از قوم ترکمن میزان فاصله از قوم ترکمن
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۶/۱	۱۰۴	۲۷/۳	۳	۱۶/۷	۲۰	۳۰/۲	۸۱	زیاد
۳۰/۸	۱۲۳	۹/۱	۱	۳۳/۳	۴۰	۳۰/۶	۸۲	متوسط
۴۳/۱	۱۷۲	۶۳/۶	۷	۵۰	۶۰	۳۹/۲	۱۰۵	کم
۱۰۰	۳۹۹	۱۰۰	۱۱	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۲۶۸	جمع

Kendall's tau B = ۰/۱۲۱      Gamma = ۰/۲۸۷      sig = ۰/۰۰۷

جدول فوق نشان می‌دهد که در بین پاسخگویی که شناخت زیادی از قوم ترکمن داشته‌اند، حدود ۶۴ درصد از فاصله اجتماعی کم و فقط ۲۷ درصد فاصله اجتماعی زیادی

نسبت به آنها داشته‌اند در حالی که در بین پاسخگویانی که شناخت کمی از قوم ترکمن داشته‌اند در حالی که در بنی پاسخگویانی که شناخت کمی از قوم ترکی داشته‌اند، ۳۹ درصد دارای فاصله اجتماعی کم و ۶۱ درصد دارای فاصله اجتماعی زیادی نسبت به قوم ترکی بوده‌اند. این امر حاکی از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین این دو متغیر بوده و آزمون‌های آماری مرتبط، معنی‌دار بودن چنین رابطه‌ای را در سطح ۰/۰۰۷ تأیید می‌کنند.

جدول ۱۱. میزان فاصله اجتماعی از قوم فارس بر حسب میزان شناخت از قوم فارس

جمع		بالا		متوسط		پایین		میزان
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	شناخت از فارس میزان فاصله از قوم فارس
۱۵/۳	۶۱	۵/۶	۱	۱۴/۸	۴۲	۱۸/۶	۱۸	زیاد
۲۴/۸	۹۹	۱۱/۱	۲	۲۳/۹	۶۸	۲۹/۹	۲۹	متوسط
۵۹/۹	۲۳۹	۸۳/۳	۱۵	۶۱/۳	۱۷۴	۵۱/۵	۵۰	کم
۱۰۰	۳۹۹	۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۲۸۴	۱۰۰	۹۷	جمع

Kendall's tau B = ۰/۱۱۲    Gamma = ۰/۲۲۷    sig = ۰/۰۱۶

جدول فوق به وضوح نشان می‌دهد که در بین پاسخگویانی که شناخت زیادی از قوم فارس داشته‌اند، بیش از ۸۳ درصد از فاصله کمی نسبت به آن‌ها برخوردار بوده و در عوض در بین پاسخگویانی که شناخت کمی از فارس دارند، حدود نیمی از آنان رابطه اجتماعی متوسط یا زیادی با قوم فارس دارند. این امر حاکی از وجود رابطه متقابل و مستقیم میان این دو متغیر بوده و آزمون آماری مربوطه نیز معنی‌دار بودن وجود این رابطه را نشان می‌دهد. بنابراین میزان شناخت پاسخگویان از اقوام فارس و آذری رابطه معناداری با میزان فاصله اجتماعی از اقوام مذکور دارد، به عبارت دیگر، هر چه میزان شناخت پاسخگویان از اقوام مذکور افزایش می‌یابد، میزان فاصله پاسخگویان از این اقوام، کاهش پیدا می‌کند. این امر را می‌توان بر اساس مبانی نظری این پژوهش در قالب تأثیری که میزان شناخت و آگاهی بر روی تکوین گرایش‌ها و شکل‌گیری هویت خودی و دیگری دارد، توجیه نمود. دیدگاه‌های سطح خرد جامعه‌شناسی، به ویژه دیدگاه کنش متقابل نمادی و دیدگاه جامعه‌شناسی پدیداری نیز مؤید چنین رابطه‌ای هستند.

#### ۲-۲-۴. تحلیل‌های چند متغیری

برای کنترل روابط به دست آمده در تحلیل‌های دو متغیری و بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل‌های قبلی به تحلیل چند متغیری به شرح زیر اقدام شده است.

#### ۲-۲-۴-۱. تحلیل چند متغیری مربوط به رابطه ترکمن‌ها با قوم فارس

متغیر	B	اشتباه استاندارد	بتا ( $\beta$ )	مقدار T	سطح معناداری T
جنسیت	۴/۲۷۷	۰/۷۹۹	۰/۲۵۸	۵/۳۵۶	۰/۰۰۰
میزان شناخت از قوم فارس	۰/۱۹۶	۰/۱۴۴	۰/۰۶۷	۱/۳۶۶	۰/۱۷۲
میزان تعاملات اجتماعی با قوم فارس	۰/۲۳۸	۰/۰۹۴	۰/۲۴۶	۲/۵۲۲	۰/۰۱۲
میزان قوم مداری	۰/۴۳۴	۰/۰۷۳	۰/۲۸۱	۵/۹۵۱	۰/۰۰۰

$$R^2 = ۰/۴۸۱ \quad \text{Adjusted } R^2 = ۰/۴۶ \quad SE = ۷/۶۵$$

$$F = ۱۸/۰۲۹ \quad \text{sig}(F) = ۰/۰۰۰ \quad R = ۰/۶۹۳$$

اطلاعات جدول فوق روابط به دست آمده در سطح تحلیل‌های دو متغیری را تا حدی تأیید می‌کند، به طوری که می‌توان برای هر یک از متغیرهای مستقل مورد توجه در تبیین تغییرات متغیر وابسته (فاصله اجتماعی) سهمی قائل شد. این متغیرها در مجموع حدودی نیمی از تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش بینی می‌کنند. در این معادله به ترتیب متغیرهای میزان قوم مداری، جنسیت، میزان تعاملات و میزان شناخت پاسخگویان از سهم و اهمیت بیش تری برخوردارند.

#### ۲-۲-۴-۲. تحلیل چند متغیری رابطه سایر اقوام با ترکمن‌ها

متغیر	B	اشتباه استاندارد	بتا ( $\beta$ )	مقدار T	سطح معناداری T
جنسیت	۰/۱۲۶	۰/۰۴۰	۰/۱۴۹	۳/۰۳۶	۰/۰۰۲
میزان شناخت از قوم ترکمن	۰/۱۹۸	۰/۲۰۳	۰/۰۴۹	۰/۹۷۷	۰/۳۲۹
میزان تعاملات اجتماعی با قوم ترکمن	۰/۱۷۲	۰/۱۲۹	۰/۰۶۶	۱/۱۵۵	۰/۲۴۹
میزان قوم مداری	۰/۵۱۶	۰/۰۸۲	۰/۳۰۷	۶/۹۰۵	۰/۰۰۰

$$R^2 = ۰/۲۴۱ \quad \text{Adjusted } R^2 = ۰/۱۳۰ \quad SE = ۰/۷۶۶$$

$$F = ۱۴/۹۳۱ \quad \text{sig}(F) = ۰/۰۰۰ \quad R = ۰/۳۷۶$$

اطلاعات جدول فوق مؤید معنی دار بودن رابطه فاصله اجتماعی با دو متغیر میزان قوم مداری و میزان سن است، به طوری که می توان گفت این دو متغیر حدود  $\frac{1}{4}$  تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش بینی می کنند. در مجموع می توان گفت که زنان ترکمن نسبت به مردان و افراد یا اقوام که دارای شناخت و تعاملات بیش تری با دیگر اقوام ایرانی هستند از قوم مداری و فاصله اجتماعی کم تری نسبت به اقوام مذکور برخوردارند.

### نتیجه گیری

نتایج تجربی این تحقیق نشان می دهد که ساکنان شهرهای شرق استان گلستان به عنوان بخشی از قوم ترکمن کم ترین فاصله اجتماعی را با قوم فارس و بیش ترین فاصله اجتماعی را با قوم بلوچ داشته اند. در یک جمع بندی، سلسله مراتب ترجیحات قومی در بین پاسخگویان به ترتیب شامل اقوام فارس، ترکمن، بلوچ، ترک و سیستانی بوده است. احساس نزدیکی بیش تر با اقوام فارس و ترکمن، به دلیل همجواری جغرافیایی، مراودات فرهنگی و اقتصادی و سکونت تعداد قابل ملاحظه ای از اعضای اقوام مذکور در شهرهای استان و رسمی بودن زبان فارسی در کشور است. البته، این احساس نزدیکی با اقوام فارس، و ترکمن معنای پذیرش اجتماعی کامل آنان نیست، چرا که به ترتیب حدود ۴۰٪ و ۵۷٪ از پاسخگویان فاصله اجتماعی متوسط رو به بالایی با این اقوام دارند و این می تواند نگران کننده و در جای خود هشدار دهنده باشد.

با رجوع به نتایج توصیفی باید گفت که با وجود همجواری جغرافیایی و سکونت اعضای اقوام فارس و ترکمن در شهرهای استان گلستان، میزان تعاملات اجتماعی پاسخگویان با اقوام فارس و ترکمن در حد کم بوده و میزان شناخت آنان از این اقوام به ترتیب متوسط و کم است. با توجه به همبستگی قابل ملاحظه این دو متغیر (میزان تعاملات اجتماعی و میزان شناخت، با فاصله قومی)، سطح نازل تعاملات اجتماعی و به تبع آن، شناخت کم از اقوام مذکور، می تواند خود دلیلی بر وجود فاصله اجتماعی باشد.

نکته قابل توجه در این تحقیق سطح بالا قوم مداری در میان پاسخگویان است، به طوری که ۹۵٪ از ساکنان شهرهای استان از قوم مداری متوسط رو به بالایی برخوردار بوده و ۴۱٪ از پاسخگویان، بیش ترین میزان اهمیت را برای هویت قومی خود (فارس بودن) قائل بوده اند، قوم مداری، سرانجام به پیدایی عقاید قالبی، پیش داوری ها و خرافه گرایی درباره اقوام دیگر و بیگانه

هراسی می انجامد و موجبات عدم مفاهمه بین قوم را فراهم می نماید. در واقع، در سایه قوم مداری، دامنه تعاملات و مراودات اقوام با یکدیگر کاهش پیدا می کند و این امر می تواند نشانگر برجسته بودن هویت قومی و عدم همخوانی آن با احساس پذیرش اجتماعی در میان اقوام و دلیلی بر فاصله اجتماعی موجود باشد.

یافته‌های ای تحقیق مؤید دیدگاه‌ها و چارچوب نظری مورد توجه در این پژوهش است. همان طوری که ذکر شد، بورديو سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی را از عوامل تعیین کننده فاصله‌های اجتماعی می داند. تأیید معنی‌دار بودن رابطه فاصله اجتماعی افراد با پایگاه اجتماعی، یعنی میزان تحصیلات، مرتبه شغلی و میزان درآمد و دارایی آنان مؤید این مدعاست. کمبود سرمایه فرهنگی و اجتماعی به نوبه خود نه فقط مانع ارتقای سطح شناخت اعضای یک قوم از اقوام دیگر می‌شود، بلکه میزان و پهنه تعاملات آنان را محدود به میدان‌های اجتماعی خاص خانوادگی و قومی می‌سازد و با تشدید تعاملات درون گروهی و ضعف تعاملات بین گروهی، خاص گرای‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله قوم مداری نیز تشدید می‌یابد. این امر با دیدگاه‌های هابرماس، آرچر و الکساندر نیز همخوانی دارد. هابرماس حوزه عمومی و تعامل فرهنگی، به ویژه گفت و گو را عامل تفاهم بین فرهنگی و بین قومی می‌داند. این امر از دیدگاه آرچر و الکساندر با فضای فرهنگی و سطح شناخت و آگاهی کنشگران مرتبط است. یافته‌های این تحقیق نشان می دهد که پایین بودن سطح شناخت افراد مورد بررسی و فضای فرهنگی خاص گرانه محلی از یک سو دامنه تعاملات آنان را محدود می سازد و از سوی دیگر کنش‌ها و تعاملات محدود و محلی آنان به تشدید قوم مداری و تقویت فاصله اجتماعی و ضعف وفاق فرهنگی و اجتماعی بین اعضای اقوام ایرانی منجر می‌شود و مجموعه این عوامل به ضعف وحدت ملی و انسجام جمعی عام در سطح جامعه منجر می شوند. یافته‌های تجربی مذکور را که از پشتوانه نظری نیز برخوردارند، می‌توان در قالب مدل نظری ذیل تنظیم نمود.

یافته‌های تجربی هماهنگ با دیدگاه‌های نظری بیانگر این وضعیت اند که در بین افراد مورد بررسی فقر فرهنگی و اقتصادی بالا است. فقر فرهنگی و اقتصادی، تفاوت‌های زبانی و تا حدی مذهبی، میزان و پهنه تعاملات افراد با اعضای سایر اقوام را کم و محدود کرده است. این امر به تشدید تعاملات درون گروهی و تضعیف تعاملات بین گروهی منجر گردیده و در میزان قوم گرایی تأثیر گذاشته و در نتیجه، فاصله اجتماعی را افزایش داده است. با توجه به این که این امر یکی از موانع جدی موجود بر سر راه تقویت وفاق فرهنگی و اجتماعی و تعریض و تحکیم

اجتماع جامعه ای یا انسجام جمعی عام و وحدت ملی است، لذا برای مقابله با آن بر اساس یافته‌های تجربی منطبق بر مبنای نظری می‌توان مجموعه‌ای به هم پیوسته ای از راهبردها را پیشنهاد نمود.

### پیشنهادات

فاصله اجتماعی ساکنان شهرهای شرق استان گلستان از اقوام ایرانی بیانگر ضعف همدلی، هماهنگی و توافق ساکنان شهرهای استان (که به لحاظ قومیتی ترکمن هستند) با سایر اقوام ایرانی است. وجود این مسئله تدوین و اتخاذ سیاست قومی را در ایران ضروری می‌سازد. سیاست قومی مذکور باید از یک سو تقویت اشتراکات و توافقات میان اقوام با همدیگر و با هویت جمعی عام در سطح جامعه و از سوی دیگر، تعدیل نقاط افتراق، تضاد و تعارض را چهار حوزه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پی‌گیری نماید.

در حوزه فرهنگی برای افزایش میزان شناخت و آگاهی اقوام از یکدیگر، کاهش سطح قوم‌مداری و تقویت تفاهم فرهنگی، توجه به موارد زیر مفید به نظر می‌رسد:

- با توجه به این که استان گلستان به لحاظ سطح بی‌سوادی، از رتبه‌های بالایی در کشور داراست و همچنین، بالاترین میزان بی‌سوادی را در کشور به خود اختصاص داده است، ارتقای سطح سواد و رشد آموزش و پرورش، به ویژه در مناطق روستایی و مرزی، امری ضروری است.

- رسانه‌های جمعی از مهم‌ترین ابزارهای در دست دولت برای ایجاد همبستگی و وفاق ملی و تقویت هویت جمعی عام جامعه ای (ملی) به شمار می‌آیند. لذا تقویت اعتماد مردم به رسانه‌های جمعی از طریق پخش برنامه‌ها و سریال‌های وحدت‌آفرین، احترام گذاشتن به باورها، لهجه‌ها و گویش‌های اقوام مختلف ایران، تقویت صدا و سیما و شبکه‌های استانی در شهرهای مرزی ضروری به نظر می‌رسد.

- تأکید بر موارث فرهنگی با پیشینه مشترک تاریخی، به ویژه همزیستی دائمی اقوام و نیز دخالت تاریخی اقوام در حاکمیت (حاجیانی، ۱۳۹۲).

در حوزه اجتماعی، برای تقویت تعاملات و مراودات اقوام و تقویت اعتماد و پذیرش اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی، موارد زیر قابل توجه است.



فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در کشور ایران با تأکید بر...

- ارتقای سطح ایرانگردی، در این راستا، رسانه‌های جمعی از طریق آشنایی مردم با جاذبه‌های توریستی مناطق مختلف ایران نقشی اساسی دارند.
- تقویت برنامه‌های تبادل فرهنگی بین قومی از طریق نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های علمی، ادبی، هنری و نمایشی
- تقویت احساسات عام گرایانه
- تقویت ارتباطات برای یکپارچه ساختن عواطف و احساسات موجود و تقویت علائق و منافع مشترک و زدایش تصورات قالبی
- در راستای اهداف یاد شده، آموزش و پرورش رسمی می‌تواند نقش بسزایی ایفا نماید. از آن جا که در کتاب‌های درسی به قابلیت‌ها و پتانسیل‌های مناطق مختلف ایران اشاره چندانی نشده است، از این رو تغییر کتب درسی، به ویژه دروس اجتماعی در مقاطع مختلف تحصیلی در راستای اهداف مذکور ضروری به نظر می‌رسد.
- در حوزه سیاسی برای افزایش میزان یگانگی اقوام با هویت عام ایرانی، موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:
- تقویت نهادهای سیاسی محلی و سازمان‌های مردمی که در سطوح پایین اجتماع، مدیریت مسائل قومی را بر عهده دارند (سیدامامی، ۱۳۷۷).
- افزایش و تقویت مشارکت بیشتر ترکمن‌ها در عرصه‌های سیاسی کشور از طریق به کارگیری نیروهای تحصیل کرده و لایق و علاقمند بومی به پست‌های مدیریتی در سطح استان.
- حذف نگاه امنیتی نسبت به استان گلستان
- پی‌گیری و تحقق مطالبات قانونی ترکمن‌ها که در قانون اساسی به صراحت از آن یاد شده است. از آن جا که در رتبه بندی استان‌های کشور با استفاده از شاخص‌های منتخب اجتماعی - اقتصادی، استان گلستان، لحاظ محرومیت در بین استان‌های کشور از استان‌های کم تر توسعه یافته کشور به حساب می‌آید (امیراحمدیان، ۱۳۷۸)، در حوزه اقتصادی برای تقویت مبادلات اقتصاد، کاهش نابرابری‌های منطقه ای و توزیع عادلانه فرصت‌ها موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:
- افزایش فرصت‌ها شغلی
- رفع محرومیت‌های موجود در منطقه و آگاه سازی مردم از برنامه‌های محرومیت زدایی
- توجه به عمران و توسعه منطقه ای مناطق مرزی (حاجیانی، ۱۳۹۲)

در مجموع، با توجه به این که بر اساس یافته‌های این پژوهش زنان ترکمن نسبت به مردان در ذوب کردن فاصله اجتماعی بین خود و اعضای سایر اقوام پیشی گرفته‌اند و بالا بودن میزان شناخت و آگاهی اعضای یک قوم از اقوام دیگر راه را برای تعاملات بیش تر بین فرهنگی و بین قومی هموار می‌سازد و این امر به کاهش قوم‌مداری و نهایتاً کاهش فاصله‌های اجتماعی منجر می‌گردد، لذا پیشنهاد می‌شود تمهیداتی ایجاد گردد تا دختران و زنان اقوام مختلف به عنوان پیشگامان مفاهیم و وفاق بین فرهنگی و بین قومی در تعامل و گفت و گوی با هم قرار گیرند و با ارتقای سطح دانش خود از همدیگر، در کاهش انگاره‌های قوم‌مداری و قوم‌ستیزی و ذوب کردن فاصله‌های اجتماعی مؤثر افتند؛ این حرکت باید در سطح کلان نیز با اعمال سیاست‌ها و راهبردهای مناسب مورد حمایت قرار گیرد.

مسئله فاصله اجتماعی و به تبع آن، تعاملات اقوام در ایران، متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی کشور و تحولات تاریخی مرتبط با آن است. نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون، حاکی از ناکافی بودن رویکردهای مبتنی بر جامعه‌شناسی سطح خرد، به ویژه نظریه کنش متقابل نمادی و دیدگاه‌های روان‌شناسی اجتماعی در مطالعه و بررسی فاصله اجتماعی اقوام است. برای رفع این نارسایی، توجه به دیدگاه‌های تلفیقی که در آن‌ها جامعه‌شناسی نظم و تضاد متغیرهای خرد و کلان با هم ترکیب می‌شوند، ضروری به نظر می‌رسد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ از افسانه تا واقعیت، تهران: نی.
- اصغری فرد، اعظم‌السادات (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی شکل غالب بر الگوهای همبستگی در میان اقوام ایرانی (ترک و لر) و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این نوع همبستگی». **پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.**
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۵). «درجه توسعه یافتگی استان‌ها و همسازی ملی در ایران»، **فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره ۱، پاییز، صص ۱۲۸-۹۹.**
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). **نظریه کنش - دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.**
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). **جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی.**

فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در کشور ایران با تأکید بر...

- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۰). «مسأله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، صص ۱۷۷-۱۳۷.
- سید امامی، کاووس (۱۳۷۷). «یکپارچگی ملی و رشد هویت‌های قومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار، صص ۱۸-۷.
- ظهیری نژاد، مهناز (۱۳۹۴). «فرهنگ و هویت ایرانیان کرد»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۹، پاییز، صص ۲۸۶-۲۵۷.
- کرایب، یان (۱۳۷۳). *نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.
- کوئن، بروس (۱۳۷۳). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۷). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گولد، جولیس و کولب، ویلیام (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران: مازیار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *راهنمای سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- یوسفی، علی (۱۳۸۶). «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸، تابستان، صص.

#### ب) منابع انگلیسی

- Neuman, W. L. (1997). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*, (3 ed.) Boston: Allyn and Bacon
- Hechter, M. (1992). "The Dynamic of Secession", *Acta Sociologica*, 35.
- Habermas, J. (1996). *Between Facts and Norms* (W. Rehg, Trans.), Cambridge, MA: MIT Press.
- Archer, Margaret S. & Archer, Margaret Scotford (1996). *Culture and Agency: The Place of Culture in Social Theory*, Cambridge University Press.

